

بررسی رابطه توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار  
تهران

دکتر علی ابراهیمی کردلر

استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

Ali20gol@yahoo.com

نوراله رحمانی پیچا

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

n\_rahmani1313@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۴ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱

### چکیده

در این پژوهش با استفاده از داده‌های تاریخی در خصوص داده‌های ۱۰۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طول سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ (۵۱۰ سال-شرکت)، رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفته است. فرض اصلی این پژوهش آن است که کیفیت گزارشگری مالی با توانایی مدیریت رابطه معنادار دارد. در این پژوهش، فرضیه با استفاده از رگرسیون چند متغیره و نرم افزار Eviews بررسی شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد و رابطه آن‌ها منفی است، که این یافته با پژوهش‌های مشابه از قبیل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد. البته با در نظر گرفتن تأثیر متغیر دامی (اندازه حسابرس) بر

متغیرهای مستقل و کنترلی مشاهده می‌کنیم که توانایی مدیریت با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت دارد.

**واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارشگری مالی، توانایی مدیریت، اقلام تعهدی، کیفیت اقلام تعهدی.**

## مقدمه

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی تضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان عامل مهمی در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهاست [۱]. محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی که به عنوان یکی از اقلام حسابداری در گزارش‌های مالی تهیه و ارائه می‌شود، متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است. امکان استفاده از روش‌های گوناگون حسابداری موجب شده است که سود واقعی شرکت‌ها با سود گزارش شده در صورت‌های مالی تفاوت داشته باشد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطح بالای اقلام تعهدی موجب کاهش کیفیت سود می‌شود. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اقلام تعهدی بیشتر به معنی کیفیت کمتر و پایداری کمتر سود است [۵].

مدیران عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می‌رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب می‌شود آن‌ها برآوردها و قضاوت‌های بهتری را انجام دهند. همچنین انتظار می‌رود تیم مدیریت، قادر باشد به صورت دقیق تری اقلام تعهدی را پیش‌بینی کند، برای مثال، در هنگام برآورد هزینه‌های سوخت شده، مدیران درک بیشتری از مشتریان‌شان و شرایط کلان اقتصادی دارند و همچنین در مورد مزایای آتی دارایی‌های ثبت شده، پیش‌بینی بهتری را به عمل می‌آورند و قادر خواهند بود که استانداردهای پیچیده را درک کنند و آن‌ها را به کار ببرند. [۲۷ و ۲۹].

با توجه به ادبیات گذشته در حوزه کیفیت گزارشگری مالی، مشاهده می‌شود که تا حد زیادی تمرکز بر روی ویژگی‌های خاص شرکت<sup>۱</sup> مانند اندازه شرکت و استقلال هیئت‌مدیره،

---

<sup>1</sup> firm-specific characteristics

بوده است [۱۳ و ۲۴]، درحالی که، توانایی مدیریت نیز می تواند به عنوان یک عامل اثرگذار بر روی کیفیت گزارشگری مالی مطرح باشد که در ادبیات گذشته در نظر گرفته نشده است.

### **مروری بر پیشینه تحقیق**

آیر و همکاران (۲۰۰۵)، رابطه بین ویژگی های مدیران مالی و اشتباه در روش های حسابداری (به عنوان معیاری برای تجدید ارائه) را مورد بررسی قرار دادند آن ها به این نتیجه رسیدند که بین تجدید ارائه و تخصص مدیر مالی همبستگی منفی وجود دارد. به طوری که شرکت هایی که از مدیر مالی تخصصی تر استفاده می کنند دارای تجدید ارائه کمتری هستند [۸].

فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) تأثیر شهرت مدیران اجرایی بر روی کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن ها به این نتیجه رسیدند که بین میزان حسن شهرت مدیریت و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. آن ها معتقدند که هیئت مدیره، برای مدیریت محیط های عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکت ها، محیط های عملیاتی متغیر و سایر ویژگی هایی درونی آن ها و نه اقدامات مدیریت است [۲۰].

دی جونگ و لینگ (۲۰۱۰) در مقاله خود بررسی کردند که آیا ویژگی های خاص مدیران عالی بر روی ارقام تعهدی که توسط ویژگی های شرکت قابل توضیح نیستند اثر می گذارد. آن ها به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی به احتمال زیادی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات سیاسی شرکت و مدیران مالی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات حسابداری اثر می گذارند [۱۵].

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت را مورد بررسی قرار دادند. آن ها به این نتیجه رسیدند که کیفیت گزارشگری مالی با توانایی مدیریت

رابطه مثبت دارد. نتیجه بدین صورت است که مدیران می‌توانند بر روی کیفیت قضاوت‌ها و برآوردهایی که در محاسبه سود کاربرد دارند، تأثیر بگذارند [۱۷].

لازم به ذکر است پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با توانایی مدیریت در ایران بسیار محدود است، بنابراین با نگاهی گسترده‌تر به ادبیات گذشته می‌توان پژوهش‌های نزدیک به این موضوع را بیان داشت.

نیکو مرام و بادآور نهندی (۱۳۸۸) در مقاله خود عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران را شناسایی و ارزیابی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری، و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت رابطه منفی دارد [۶].

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود به این موضوع پرداختند که "مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟". نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با افزایش میزان اقلام تعهدی اختیاری، از مقادیر مطلوب ویژگی‌های سود کاسته می‌شود. در این میان کیفیت اقلام تعهدی پیش از سایر ویژگی‌ها، تحت تأثیر مدیریت سود قرار می‌گیرد. این نتایج از نظریه فرصت طلبانه بودن مدیریت سود حمایت کرده، نشان می‌دهد که مدیریت سود بر محتوای اطلاعاتی حسابداری خدشه وارد می‌کند [۲].

## **مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی**

مدیران نمایندگانی هستند که از سوی مالکان واحدهای اقتصادی به منظور مدیریت منابع آن‌ها در جهت کسب حداکثر رفاه منصوب می‌شوند. در راستای انجام وظایف نمایندگی، مدیران باید در مورد نحوه به کارگیری منابع اقتصادی تحت کنترل خود، در مقابل مالکان پاسخگو باشند و گزارشگری مالی از ابزارهای مهم پاسخگویی محسوب می‌شود. بر اساس مبانی نظری،

کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از عوامل مرتبط با مدیریت تأثیر پذیرد که در ادامه، تشریح می شود [۶].

الف. محافظه کاری مدیریت: محافظه کاری در بهترین حالت، با عدم اطمینان موجود در ارزیابی ها برخورد بسیار ضعیفی دارد و در بدترین حالت، منجر به تحریف کامل اطلاعات حسابداری می شود [۳]. باسو<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) نشان می دهد زمانی که بازدهها منفی هستند، رابطه بین سودهای جاری و بازدههای جاری نسبت به زمانی که بازدهها مثبت هستند، قوی تر است که این موضوع مؤید عدم تقارن زمانی سودها در منظور نمودن اخبار بد در مقابل اخبار خوب است [۲ و ۱۸]. پنمن و ژنگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) به صورت تجربی نشان می دهند که محافظه کاری در مورد حسابداری مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و موجودی ها منجر به کاهش کیفیت گزارش های مالی می شود [۲۸].

ب. کارایی مدیریت: مدیریت باید به عنوان نماینده مالکان، با تجزیه و تحلیل و درک اهداف سازمان تحت مسئولیت خود، منابع محدود را به بهترین نحو مورد استفاده قرار دهد. برترند و شعار<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) دریافتند که مدیران در انتخاب های شرکت برای مواردی از قبیل تحصیل دارایی ها و مخارج تحقیق و توسعه، تأثیرگذار هستند [۱۲]. دمرجیان و دیگران<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) به این نتیجه دست یافتند که کیفیت سود (میزان ارتباط ارقام تعهدی با جریان های نقدی) با افزایش توانایی مدیریتی بهبود می یابد [۱۶]؛ این مطالعه با کنترل خصوصیات منحصر به فرد شرکت ها که بر آورد ارقام تعهدی را دشوار یا آسان می سازد (از قبیل چرخه عملیاتی و نوسانات فروش) و همچنین خصوصیات ساختاری (از قبیل استقلال هیئت مدیره و کیفیت کنترل داخلی) انجام گردیده است. یافته فوق از این ایده که مدیران توانمند سودهای با کیفیت تر تولید می کنند، حمایت می کند.

---

<sup>2</sup> Basu

<sup>3</sup> Penman and Zhang

<sup>4</sup> Bertrand and Schoar

<sup>5</sup> Demerjian et al

ج. صداقت مدیریت: اطلاعات منعکس شده در گزارش‌های مالی در معرض این مخاطره قرار دارند که آنچه را که مدعی نمایش آن هستند، کاملاً به طور صادقانه بیان نکنند. این بدان علت است که در تشخیص معاملات و سایر رویدادهایی که قصد اندازه‌گیری آن وجود دارد، یا در طراحی و به‌کارگیری روش‌های اندازه‌گیری و ارائه‌ای که بتواند پیام‌های مرتبط با آن معاملات و سایر رویدادها را انتقال دهد، موضوع انتخاب و اختیار عمل مطرح است. گوردون<sup>۶</sup> (۱۹۶۴) معتقد است که مدیریت علاقه‌مند است سود و نرخ رشد آن دارای نوعی ثبات و به دور از نوسانات زیاد باشد و در صورت لزوم ممکن است باهدف گمراه ساختن بازار، به مدیریت اقلام گزارش‌های مالی مبادرت نماید [۲۲]. باروعا<sup>۷</sup> و دیگران (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که مدیریت اقلام تعهدی به منظور محقق ساختن (یا تجاوز از) پیش‌بینی‌های تحلیل‌گرایان و سودهای ایده آل انجام می‌شود و انگیزه این رفتار در شرکت‌های با سودآوری بیشتر در مقایسه با شرکت‌های با سودآوری کمتر، بالاتر است [۱۰].

### کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت

کیفیت سود یکی از ویژگی‌های مهم گزارشگری مالی است که بر روی تخصیص بهینه منابع اثر می‌گذارد. سود یکی از مهم‌ترین ورودی‌ها برای مدل‌های ارزیابی تحلیلگران و سرمایه‌گذاران است، از این رو، شرکت‌های باکیفیت سود ضعیف تمایل دارند هزینه سرمایه بالاتری داشته باشند [۱۹] و همچنین واکنش منفی قیمت‌ها را به طور قابل توجهی به همراه دارد. بر اساس پژوهش دچو و اسکرند (۲۰۰۴) کیفیت سود بالاتر منعکس‌کننده عملکرد واقعی شرکت به صورت دقیق است [۱۴].

توانایی هر یک از مدیران در قضاوت و برآوردهای دقیق، متفاوت است. مدیرانی دارای توانایی بالا هستند که در مورد شرکت و صنعتی که در آن مشغول به فعالیت هستند، دارای

---

<sup>۶</sup> Gordon

<sup>۷</sup> Barua et al

آگاهی بیشتری باشند و همچنین با ترکیب مناسب اطلاعات به منظور انجام برآوردهای قابل اتکا، بتوانند سودهای باکیفیت تری را گزارش کنند [۲۶]. برای مثال، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول را در نظر بگیرید. یک مدیر ضعیف ممکن است نرخ تاریخی را برای مطالبات سوخت شده به کار برد، در صورتی که، مدیر با آگاهی بیشتر، بر اساس تغییرات مشتریان شرکت و روند صنعت و کلان اقتصادی، در نرخ تاریخی، تعدیلاتی را انجام می دهد. به همین ترتیب مدیران توانمند می توانند نرخ استهلاک دقیق تر و منطقی تر، ارزش منصفانه و برآورد اقلام تعهدی را به نحو مناسب، گزارش کنند. بنابراین انتظار می رود، مدیران تواناتر، سودهای باکیفیت تری را گزارش کنند [۱۷].

این پژوهش بر اساس روش اسکووار و بترند (۲۰۰۳) است، آن‌ها دریافته‌اند که مدیران بر روی انتخاب‌های شرکت مثل مخارج تحصیل و تحقیق و توسعه تأثیر می گذارد [۱۲]. بامبر و همکاران (۲۰۱۰) شرکت را از جنبه تأثیرات مدیر مورد بررسی قراردادند و به این نتیجه رسیدند که هر یک از مدیران "سبک"هایی را ترجیح می دهند که با ویژگی‌های شخصی و رهنمودهای آن‌ها مرتبط است [۹]. جی و همکاران (۲۰۱۱) و دی جونگ و لینگ (۲۰۱۰) در یک روش مشابه، اثرات ثابت مدیر را بر روی سیاست‌های گزارشگری مالی معین مورد بررسی قراردادند [۲۱ و ۱۵]، علاوه بر این بامبر و همکاران (۲۰۱۰) نیز در روشی مشابه اهمیت ویژگی‌های فردی مدیران را این گونه بیان می کنند: روش‌های افشا و حسابداری شرکت بسته به اثرات ثابت مدیر متفاوت است. همان طور که قبلاً گفته شد، این رویکرد به محققان اجازه می دهد تا بتوانند اثرات ثابت ویژه مدیران را مستند کنند [۹].

به طور کلی شواهدی وجود دارد که نشان دهنده تأثیر مدیران بر روی کیفیت گزارشگری مالی است. از طرف دیگر نیز شواهدی وجود دارد که نشان می دهد مدیرانی که دارای مهارت و تخصص بیشتری هستند تجدید ارزیابی کمتری در سود روی می دهد. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) دریافته‌اند که بین مدیران اجرایی مشهورتر و کیفیت گزارشگری کمتر، همبستگی وجود



دارد [۲۰]. رابطه بعدی با شرکت‌هایی سازگار است که از قابلیت پیش‌بینی سود کمتری (کیفیت کمتر) به وسیله ماهیت تجاری آن‌ها برخوردار می‌باشند [۱۴ و ۲۵]. بدین ترتیب این شرکت‌ها مدیران بهتری را به کار می‌گیرند. اگرچه برآورد ارقام تعهدی دقیق‌تر در چنین محیطی با مشکلاتی همراه است، اما پیش‌بینی می‌شود که مدیران برتر می‌توانند برآورد دقیق‌تری را انجام دهند.

### **فرضیه پژوهش**

فرضیه این پژوهش به این صورت است: "بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنادار وجود دارد."

### **روش انجام پژوهش**

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی است و از لحاظ ماهیت چون قضاوت‌های ارزشی در آن کم‌رنگ است در زمره پژوهش‌های توصیفی به شمار می‌رود. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس‌رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است. روش آماری آن نیز همبستگی است. داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار Excel محاسبه و با نرم‌افزار Eviews مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

### **جامعه، نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش**

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با در نظر گرفتن ماهیت متغیرهای پژوهش شرایط لازم جهت انتخاب نمونه به شرح زیر ارائه گردید:

۱) پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند باشند و طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند.

۲) قبل از سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و طی دوره پژوهش توقف عملیاتی نداشته باشند.

۳) جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی و بیمه و سرمایه‌گذاری نباشند.

۴) اطلاعات آن‌ها برای انجام پژوهش در دسترس باشند.

با توجه به مجموعه شرایط یادشده و اطلاعات در دسترس، تعداد ۱۰۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ به عنوان نمونه آماری پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. البته در عمل برای بدست آوردن برخی از متغیرها که لازم است از داده‌های سال‌های قبل و بعد استفاده شود، اطلاعات سال‌های ۸۳ تا ۹۰ به کار برده می‌شود.

### مدل پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری و با توجه به متعدد بودن متغیرهای مستقل و کنترلی، و یگانه بودن متغیر وابسته مدل رگرسیون چندگانه به صورت زیر تنظیم می‌شود:

$$\text{AccrualQuality}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{MA}_{i,t} + \beta_2 \text{FS}_{i,t} + \beta_3 \text{SV}_{i,t-3:t} + \beta_4 \text{CFV}_{i,t-3:t} + \beta_5 \text{OC}_{i,t} + \beta_6 \text{AS}_{i,t} + \beta_7 \text{SG}_{i,t} + \beta_8 \text{MA}_{i,t} * \text{AS}_{i,t} + \beta_9 \text{FS}_{i,t} * \text{AS}_{i,t} + \beta_{10} \text{SV}_{i,t-3:t} * \text{AS}_{i,t} + \beta_{11} \text{CFV}_{i,t-3:t} * \text{AuditorSize}_{i,t} + \beta_{12} \text{OC}_{i,t} * \text{AS}_{i,t} + \beta_{13} \text{SG}_{i,t} * \text{AS}_{i,t} + \beta_{14} \text{LagAQ}_{i,t-1} + \epsilon_{i,t}$$

### تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

#### تفسیر مستقلی

متغیر مستقل در این پژوهش عبارت است از توانایی مدیریت. کارایی کل منابع شرکت  $(Total\ Efficiency)_t$  از رابطه زیر اندازه‌گیری شده است.

$$Total\ Efficiency_t = \frac{Sales_t}{COGS_t + SAExp_t + RD_t + PPE_t}$$

در این رابطه،  $GOGS_t$ ،  $SAExp_t$ ،  $RD_t$ ،  $PPE_t$ ، بیانگر بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های فروش و اداری، هزینه‌های تحقیق و توسعه، و خالص دارایی‌های ثابت می‌باشند.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند که کارایی کل شرکت که به کمک رابطه فوق محاسبه می‌شود، نشانگر کارایی منابع در اختیار مدیریت و همچنین، توانایی‌های فردی مدیریت است؛ این رابطه رگرسیون در مدل زیر نشان داده شده است.

$$Firm\ Efficiency_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Ln(Total\ Assets)_{i,t} + \beta_2 MarketShare_{i,t} + \beta_3 PositiveFreeCash\ Flow_{i,t} + \beta_4 Ln(Age)_{i,t} + \beta_5 NFIRMS_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

در این مدل، متغیر وابسته بیانگر کارایی شرکت و سایر متغیرها به ترتیب بیانگر اندازه شرکت، سهم بازار شرکت (درآمد فروش شرکت به مجموع درآمد فروش صنعت)، جریان وجوه نقد آزاد مثبت، لگاریتم طبیعی عمر شرکت و لگاریتم طبیعی تعداد شرکت‌های فعال در صنعت (به عنوان شاخصی از رقابت در صنعت) می‌باشند. از رابطه زیر برای محاسبه جریان نقد آزاد

$$FCF_{i,t} = (CFO_{i,t} - INT_{i,t} - T_{i,t} - DIV_{i,t}) / A_{i,t} \quad \text{استفاده می‌کنیم:}$$

متغیرهای موجود در این رابطه با حذف اندیس‌های شرکت و زمان بدین شرح است FCF: جریان‌های نقد آزاد؛ CFO: جریان نقد عملیاتی؛ INT: سود عملیاتی؛ T: مالیات پرداختنی؛ DIV: سود تقسیمی و A: ارزش دفتری دارایی‌ها.

پس از انجام آزمون رگرسیون، توانایی مدیریت یا کارایی منحصر به فرد مدیر از طریق مقدار باقیمانده ( $\epsilon_t$ ) در هر سال-شرکت مشخص می‌گردد.

## متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش کیفیت گزارشگری است که با استفاده از مدل دچو و دیچو بدست خواهد آمد. اصل زیربنایی مدل دچو و دیچو آن است که کیفیت سود عمدتاً از طریق اقلام

تعهدی مانند سودها تعیین می‌شود که متشکل از مجموع جریان‌های نقدی و عملیاتی و اقلام تعهدی است. ایده اصلی در ورای دجو و دیجو، تعیین میزان خطای اندازه‌گیری در تطبیق اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی است. دجو و دیجو رابطه میان اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی را مطابق ذیل تبیین کرده‌اند:

$$TCA_{i,t} = \alpha + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$CFO_{i,t-1}$ : جریان نقدی ناشی از عملیات شرکت  $i$  در دوره  $t-1$ .

$CFO_{i,t}$ : جریان نقدی ناشی از عملیات شرکت  $i$  در دوره  $t$ .

$CFO_{i,t+1}$ : جریان نقدی ناشی از عملیات شرکت  $i$  در دوره  $t+1$ .

$TCA_{i,t}$ : مجموع اقلام تعهدی جاری شرکت  $i$  در دوره  $t$  است که به صورت زیر محاسبه می‌شود

$$CA - CL - \text{Cash} + \text{STDEBT}$$

CA: تغییر در دارایی‌های جاری؛  $\Delta CL$ : تغییر در بدهی‌های جاری؛  $\Delta \text{Cash}$ : تغییر در وجه نقد؛  $\Delta \text{STDEBT}$ : تغییر در وام‌های کوتاه مدت در درون بدهی‌های جاری.

در مدل‌های فوق، تمام متغیرها بر مجموع دارایی‌ها تقسیم شده‌اند.

طبق معادله بالا کیفیت بالای اقلام تعهدی بیانگر آن است که اقلام تعهدی، بیشتر نوسان موجود در جریان‌های نقدی جاری، گذشته و آینده را ضبط می‌کند و در نتیجه، پس‌ماند خاص شرکت ( $\varepsilon_{i,t}$ ) مبنای شاخص کیفیت سود را تشکیل می‌دهد. مقدار بیشتر پس‌ماند، شاخصی معکوس از کیفیت اقلام تعهدی و لذا شاخصی از کیفیت ضعیف سود است. بنابراین از قدر مطلق پس‌ماند رگرسیون مذکور به عنوان شاخص کیفیت اقلام تعهدی و متغیر مستقل استفاده می‌شود.

## متغیرهای کنترل

متغیرهای کنترل در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱.  $Firm\ Size_{i,t}$  ( $FS$ ) عبارت است لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان دوره، این گونه استدلال می‌شود که شرکت‌های بزرگ دارای سهامداران بزرگ‌تری هستند و تحلیلگران بیشتری آن‌ها را دنبال می‌کنند، بنابراین، این گونه شرکت‌ها برای اینکه هزینه سرمایه کمتری داشته باشند اطلاعات بیشتر و باکیفیت تری را افشا می‌کنند.

۲.  $Sales\ Volatility_{i,t-3:t}$  ( $SV$ ) عبارت است از انحراف معیار فروش طی چهار سال منتهی به سال جاری، نوسان فروش نشان‌دهنده نوسان در محیط عملیاتی شرکت است و احتمال استفاده بیشتر در برآورد موجب خطای برآورد بیشتر و کیفیت ارقام تعهدی پایین تری می‌شود.

۳.  $Cash\ Flow\ Volatility_{i,t-3:t}$  ( $CFV$ ) عبارت است از انحراف معیار جریان وجوه نقد عملیاتی طی چهار سال منتهی به سال جاری، انحراف معیار بالا در جریان‌های نقدی میزان دیگری از عدم اطمینان نسبت به محیط عملیاتی شرکت است.

۴.  $Operating\ Cycle_{i,t}$  ( $OC$ ) عبارت است از لگاریتم طبیعی مدت چرخه عملیات که مدت چرخه عملیات برابر است با حاصل رابطه زیر:

$$[(\text{میانگین موجودی کالا}) / (\text{ب.ت.ک.ف.}) + (\text{میانگین ح.د.تجاری}) / (\text{فروش})]$$

۵. طولانی بودن چرخه عملیاتی موجب طولانی شدن فاصله زمانی تبدیل ارقام تعهدی به جریان‌های نقدی می‌شود که این امر موجب کاهش دقت پیش‌بینی ارقام تعهدی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

۶.  $Auditor\ Size_{i,t}$  ( $AS$ ) عبارت است از اندازه موسسه حسابرسی و به صورت یک متغیر موهومی تعریف می‌شود که در صورتی که موسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی باشد

ارزش ۱ و در غیر این صورت ارزش صفر به خود می‌گیرد. در ادبیات حسابرسی این گونه استدلال می‌شود که اندازه موسسه حسابرسی شاخصی از کیفیت حسابرسی است و حسابرسی با کیفیت‌تر ارتقای کیفیت افشا را در پی دارد.

$SG_{i,t}$  عبارت است از تغییرات رشد فروش سال جاری نسبت به رشد فروش سال قبل که از رابطه زیر بدست می‌آید:

$$(SALE_t / SALE_{t-1}) - (SALE_{t-1} / SALE_{t-2}).$$

### یافته‌های پژوهش

هنگامی که از داده‌های ترکیبی برای تخمین استفاده می‌شود، قبل از هر کار باید آزمون F تعمیم یافته برای تشخیص نوع روش و نحوه برآورد اجرا شود. اگر نتیجه آزمون بر استفاده از روش داده‌های تلفیقی باشد، تخمین مدل با استفاده از روش داده‌های تلفیقی انجام می‌شود و اگر نتیجه بر استفاده از روش داده‌های تابلویی باشد، در ادامه از آزمون هاسمن برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن الگو استفاده خواهد شد.

### محاسبه متغیر مستقل (توانایی مدیریت)

ابتدا با ثابت کردن اثرات دوره، آزمون چاو اجرا شد. با توجه به احتمال آماره به دست آمده برای آزمون چاو (۰/۷۳۱) که کمتر از ۰/۰۵ نیست، فرض صفر این آزمون مبنی بر الگوی pooled رد نمی‌شود؛ لذا الگوی مناسب مدل pooled است. بنابراین رگرسیون با این الگو اجرا شده و نگاره ۱ نتایج این رگرسیون را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۸۵) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و لذا مدل فاقد خودهمبستگی بوده و احتمال آماره F نیز صفر است که نشان‌دهنده معنادار بودن مدل است. اکنون مقادیر پسماند برای هر سال شرکت از نرم‌افزار دریافت شده و در ادامه به عنوان متغیر توانایی مدیریت در نرم‌افزار Excel وارد می‌شود.

نگاره ۱- متغیر وابسته: کارایی شرکت  
روش تخمین: Pooled Least Squares

متغیرها	ضریب همبستگی	انحراف معیار	آماره-t	احتمال
اندازه شرکت	( / )	/	/	/
سهم بازار	/	/	/	/
جریان وجه نقد آزاد مثبت	/	/	/	/
سن شرکت	/	/	/	/
تعداد شرکت‌های فعال در صنعت	/	/	/	/
ضریب ثابت	/	/	/	/
ضریب تعیین	/	احتمال آماره F	/	/
ضریب تعیین تعدیل شده	/	آماره دوربین واتسون	/	/
آماره F	/			

**محاسبه متغیر وابسته (کیفیت گزارشگری مالی)**

ابتدا با ثابت کردن اثرات دوره، آزمون چاو اجرا شد. با توجه به احتمال آماره به دست آمده برای آزمون چاو (۰/۰۵۳) که کمتر از ۰/۰۵ نیست، آماره آزمون چاو معنادار نبوده و بنابراین فرض صفر این آزمون مبنی بر الگوی pooled رد نمی‌شود؛ لذا الگوی صحیح مدل pooled است همان‌گونه که نتایج ارائه شده در نگاره ۲ نشان می‌دهد، آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته و از سویی دیگر احتمال آماره F نیز دارای احتمال صفر است که کمتر از ۰/۰۵ است. لذا می‌توان در ادامه از قدر مطلق مقادیر پسماند برای هر سال شرکت استفاده کرد. پس از استخراج مقادیر پسماند از نرم‌افزار EViews، این مقادیر وارد فایل Excel شده و قدر مطلق این مقادیر به عنوان نماینده کیفیت اقلام تعهدی و متغیر وابسته وارد مدل اصلی برای آزمون فرضیه خواهد شد.

نگاره ۲- متغیر وابسته : TCA

روش تخمین: Pooled Least Squares

متغیرها	ضریب همبستگی	انحراف معیار	آماره-t	احتمال
جریان وجه نقد عملیاتی سال قبل	/	/	/	/
جریان وجه نقد عملیاتی سال جاری	/	/	( / )	/
جریان وجه نقد عملیاتی سال بعد	( / )	/	( / )	/
ضریب ثابت	( / )	/	/	/
ضریب تعیین	/	احتمال آماره F	/	/
ضریب تعیین تعدیل شده	/	آماره دوربین واتسن	/	/
آماره F	/			

### تعیین الگوی رگرسیونی مناسب و آزمون فرضیه

در بخش‌های قبل نحوه محاسبه کیفیت اقلام تعهدی و همچنین توانایی مدیریت ذکر شد؛ در ادامه این متغیرها به عنوان متغیر وابسته و مستقل وارد مدل اصلی پژوهش می‌شوند تا برای آزمون فرضیه مورد استفاده قرار گیرند.

ابتدا با ثابت کردن اثرات مربوط به دوره رگرسیون اجرا شده و سپس آزمون F تعمیم یافته انجام شد. با توجه به احتمال آماره به دست آمده برای آزمون چاو (۰/۵۹۶) که کمتر از ۰/۰۵ نیست، آماره آزمون چاو معنادار نبوده و بنابراین فرض صفر این آزمون مبنی بر الگوی pooled رد نمی‌شود؛ لذا الگوی صحیح مدل pooled است.

همان گونه که نتایج ارائه شده در نگاره ۳ نشان می‌دهد، آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که حاکی از عدم وجود خود همبستگی مدل بوده و همچنین احتمال به دست آمده برای آماره F نیز کمتر از ۰/۰۵ و نزدیک به صفر است که نشان از معناداری مدل دارد. همچنین



احتمال به دست آمده برای متغیر مستقل کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرض صفر آزمون  $t$ - استیودنت مبنی بر صفر بودن ضریب 1 رد می‌شود که نشان از معناداری رابطه متغیر مستقل توانایی مدیریت با متغیر وابسته شاخص کیفیت اقلام تعهدی دارد. بنابراین فرضیه پژوهش پذیرفته خواهد شد.

### نگاره ۳: نتایج رگرسیون با الگوی اثرات ثابت

متغیر	ضریب	آماره $t$	احتمال	نتیجه
ضریب ثابت	/	/	/	بی معنا
توانایی مدیریت	/	/	/	معنادار
اندازه شرکت	( / )	( / )	/	بی معنا
نوسان فروش	/	/	/	بی معنا
نوسان جریان وجه نقد	/	/	/	بی معنا
چرخه عملیاتی	/	/	/	بی معنا
رشد فروش‌ها	/	/	/	بی معنا
توانایی مدیریت*اندازه حسابرس	( / )	( / )	/	معنادار
اندازه شرکت*اندازه حسابرسی	/	/	/	معنادار
نوسان فروش*اندازه حسابرس	( / )	( / )	/	معنادار
نوسان جریان وجه نقد*اندازه حسابرس	( / )	( / )	/	معنادار
چرخه عملیاتی*اندازه حسابرس	/	/	/	بی معنا
رشد فروش‌ها*اندازه حسابرس	( / )	( / )	/	بی معنا
اندازه حسابرس	/	/	/	بی معنا
کیفیت سود سال قبل	/	/	/	بی معنا
R2 تعدیل شده	/	آماره D-W	/	عدم خودهمبستگی
آماره F	/	احتمال آماره F	/	معناداری مدل

همان گونه که نتایج ارائه شده در نگاره ۳ نشان می‌دهد، آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که حاکی از عدم وجود خود همبستگی مدل بوده و همچنین احتمال به دست آمده برای آماره F نیز کمتر از ۰/۰۵ و نزدیک به صفر است که نشان از معناداری مدل دارد. همچنین احتمال به دست آمده برای متغیر مستقل کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرض صفر آزمون  $t$ -

استیو دنت مبنی بر صفر بودن ضریب 1 رد می‌شود که نشان از معناداری رابطه متغیر مستقل توانایی مدیریت با متغیر وابسته شاخص کیفیت ارقام تعهدی دارد. بنابراین فرضیه پژوهش پذیرفته خواهد شد.

با در نظر گرفتن شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها سازمان حسابرسی بوده، مشاهده می‌شود که احتمال بدست آمده برای توانایی مدیر کمتر از ۰/۰۵ بود که نشان می‌دهد توانایی مدیر با متغیر وابسته کیفیت ارقام تعهدی رابطه معنادار دارد و با توجه به منفی بودن ضریب حاصله، رابطه توانایی مدیر با شاخص کیفیت ارقام تعهدی رابطه منفی دارد. علاوه بر این، از میان متغیرهای کنترلی نیز احتمال بدست آمده برای اندازه شرکت، نوسان فروش و نوسان جریان وجه نقد عملیاتی کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد این متغیرها با کیفیت ارقام تعهدی رابطه دارد. بدین ترتیب شاخص ارقام تعهدی با اندازه شرکت رابطه مثبت و با نوسان فروش و نوسان جریان وجه نقد عملیاتی رابطه منفی دارد.

با بررسی نتایج فرضیه مشخص می‌شود که یافته با پژوهش‌های مشابه از قبیل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد [۱۷].

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با این موضوع مشاهده می‌شود، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود تأثیر شهرت مدیران اجرایی بر روی کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین میزان حسن شهرت مدیریت و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. آن‌ها معتقدند که هیئت مدیره، برای مدیریت محیط‌های عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می‌گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکت‌ها، محیط‌های عملیاتی متغیر و سایر ویژگی‌های درونی آن‌ها و نه اقدامات مدیریت است [۲۰].

با توجه به نتیجه پژوهش فرانسیس و همکاران، حدس منطقی بر این است که هیئت مدیره در شرایطی مدیران با توانایی بالا را به خدمت می‌گیرند که شرکت در یک محیط عملیاتی بسیار

پیچیده و متغیر مشغول به فعالیت است، تا بدین ترتیب بتواند از توانایی مدیریت خود در راستای کنترل وضع موجود استفاده کند. در نتیجه، مشاهده رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت می‌تواند ناشی از شرایط پیچیده و متغیر و ویژگی‌های ذاتی شرکت باشد که منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود، در حالی که مدیران با توانایی بالایی در شرکت به خدمت گرفته شده‌اند. از طرف دیگر، با در نظر گرفتن شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی (به عنوان شاخصی از اندازه حسابرس بزرگ) انجام گرفته به نتایج در خور توجهی دست می‌یابیم. مشاهده می‌شود، در چنین شرکت‌هایی بین توانایی مدیریت و شاخص کیفیت ارقام تعهدی رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه مثبت وجود دارد.

از طرف دیگر، با در نظر گرفتن شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی (به عنوان شاخصی از اندازه حسابرس بزرگ) انجام گرفته به نتایج در خور توجهی دست می‌یابیم. مشاهده می‌شود، در چنین شرکت‌هایی بین توانایی مدیریت و شاخص کیفیت ارقام تعهدی رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه مثبت وجود دارد.

مدیران با توانایی بالا از یک طرف قادر خواهند بود با استفاده از توانایی و قدرت تصمیم‌گیری بالای خود عملکرد شرکت را بهبود بخشند و با گزارش منصفانه از عملکرد واقعی شرکت و بدون نیاز به دستکاری ارقام تعهدی به سود مطلوب دست پیدا کنند. بدین ترتیب منافع شخصی مدیر (مطلوبیت مدیر) و شرکت تأمین شده و سهامداران نیز با اتکا به اطلاعات گزارشات مالی منصفانه می‌توانند تصمیمات درست اتخاذ کرده و به منافع مورد نظر خود دست یابند. ولی از طرف دیگر نیز مدیران توانا قادر خواهند بود با استفاده از مهارت و توانمندی خود در جهت دستکاری ارقام تعهدی و مدیریت سود فرصت طلبانه، سود بیشتری گزارش کرده تا به منافع بیشتری دست یابند. در نتیجه مدیر توانا بسته به شرایط، هر دو انگیزه

را می‌تواند داشته باشد. حدس منطقی بر این است که وجود سازمان حسابرسی به عنوان یک حسابرس بزرگ و با کیفیت موجب می‌شود که مدیر با ریسک درج بند شرط در گزارش حسابرسی شرکت مواجه شود و از آنجا که مدیر قادر خواهد بود با اتکا به توانایی خویش به مطلوبیت خود برسد، لذا برای دستیابی به منافع بیشتر از مطلوبیت خود چنین ریسکی را نخواهد پذیرفت؛ چرا که هزینه پذیرش این ریسک از منافع آن بیشتر است. در نتیجه مدیر در صدد بر می‌آید با اتکا به توانایی خود عملکرد و سود واقعی شرکت را گزارش کند که در این صورت گزارشات مالی ارائه شده با کیفیت خواهد بود.

مدیرانی که از توانایی لازم برخوردار نبوده و دارای ضعف مدیریتی هستند قادر نخواهند بود با اتکا به مهارت و توانمندی خود به سود مطلوب دست پیدا کنند، بنابراین در صدد بر می‌آیند تا با مدیریت کردن ارقام تعهدی، عملکرد ضعیف خود را پنهان کرده و منافع شخصی خود و شرکت را تأمین نمایند. مدیر می‌داند سودی که حاصل عملکرد واقعی شرکت است مورد نظر هیئت مدیره و سهامداران نبوده و منافع آنها را به خطر می‌اندازد، در این صورت هیئت مدیره تصمیم به برکناری مدیر خواهد گرفت. حدس منطقی بر این است که در این شرایط، مدیر با وجود حسابرسی شدن از سوی سازمان حسابرسی در صدد بر می‌آید تا ارقام تعهدی را دستکاری کرده و مدیریت سود فرصت طلبانه انجام دهد. چرا که مدیر در صورت برکنار شدن از مدیریت شرکت مطلوبیت بیشتری را از دست خواهد داد؛ در نتیجه او ریسک درج بند شرط در گزارش حسابرسی شرکت را خواهد پذیرفت. بنابراین، سود گزارش شده شرکت یک سود غیر واقعی و مدیریت شده است. به عبارت دیگر سود گزارش شده شرکت دارای کیفیت لازم نیست.

### **نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

در این پژوهش رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفت. مدیرانی دارای توانایی بالا هستند که در مورد شرکت و صنعتی که در آن مشغول به فعالیت

هستند، دارای آگاهی بیشتری باشند و همچنین با ترکیب مناسب اطلاعات به منظور انجام برآوردهای قابل اتکا، بتوانند سودهای با کیفیت تری را گزارش کنند [۲۶]. بدین ترتیب مدیران توانمند نیاز کمتری به دست کاری ارقام تعهدی در جهت پنهان سازی ضعف خود، دارند. چرا که آن‌ها با استفاده بهینه از منابع شرکت و اطلاعات در دست می‌توانند به سود مطلوب شرکت و نیز مطلوبیت شخصی خود دست یابند و همچنین با افشای اطلاعات بیشتر و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، ارتباط بهتری را با سرمایه گذاران برقرار کرده و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش دهند.

با توجه به موارد مذکور فرضیه پژوهش حول این محور شکل گرفت که بین توانایی مدیریت و کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد و از معیار کیفیت ارقام تعهدی دچو و دیچو برای اندازه گیری ارقام تعهدی به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی استفاده شد. نتایج بدست آمده حاکی از رابطه منفی میان توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی است. از طرف دیگر، با در نظر گرفتن شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی انجام گرفته مشاهده می‌شود که بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه مثبت وجود دارد.

### **پیشنهادها**

با توجه به نتایج پژوهش، موضوعات زیر جهت انجام پژوهش‌های بیشتر و به منظور تکمیل آن‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱. انجام پژوهش حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس به منظور کنترل تأثیر صنعت.
۲. استفاده از سایر معیارها به منظور تعیین کیفیت گزارشگری مالی.
۳. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کنندگی متغیر ریسک و رشکستگی انجام شود.

## منابع و مآخذ

۱. احمد پوراحمد، احمدی احمد (۱۳۸۷)، "استفاده از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی در ارزیابی کیفیت سود"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۵۲، ص ۳-۱۶.
۲. اعتمادی حسین، مؤمنی منصور، فرج زاده دهکردی حسن (۱۳۸۹)، "مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟"، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۲، ص ۱۰۱-۱۲۲.
۳. ثقفی علی، رضازاده جواد (۱۳۸۲)، "زمینه فرهنگی رفتار حرفه‌ای حسابداران"، **مطالعات حسابداری**، شماره ۱.
۴. حقیقت حمید، بختیاری مسعود (۱۳۹۰)، "بررسی محتوای اطلاعاتی افزاینده ارقام تعهدی خلاف قاعده در مقایسه با جریان‌ات نقدی عملیاتی"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، ۹، ص ۳۴-۱۷.
۵. نوروش ایرج، ناظمی امین، حیدری مهدی (۱۳۸۵)، "کیفیت اقلام تعهدی و سود با تاکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۴۳، ص ۱۶۰-۱۳۵.

۶. نیکومرام هاشم، بادآور نهندي یونس (۱۳۸۸)، "تبيين و ارائه الگویی برای تعیین و

ارزیابی عوامل موثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران"، **فراسوی**

**مدیریت**، ۸، ص ۱۸۷-۱۴۱.

۷. خدادادی ولی، دستگیر محسن، جلیلی امیر (۱۳۸۸)، "بررسی توانایی پیش بینی

جریان نقدی آتی با استفاده از جریان نقدی و مؤلفه‌های تعهدی سودهای گذشته"،

**تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، ۴، ۵۴-۲۶.

8. Aier, J., J. Comprix, M. Gunlock, and D. Lee. (2005), "The financial expertise of CFOs and accounting restatements". **Accounting Horizons**, 19 (3), 123-135.
9. Bamber, L., J. Jiang, and I. Wang. (2010), "What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure". **The Accounting Review**, 85 (4), 1131-1162.
10. Barua, A., J., Legoria, and J.S., Moffitt, (2006), "Accrals Management to Achieve Earnings Benchmarks: A Comparison of Pre-managed Profit and Loss Firms", **Journal of Business Finance**.
11. Basu, S. (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". **Journal of Accounting and economics**, 24, 3-37.

12. Bertrand, M., A. Schoar. (2003), "Managing with style: The effect of managers on firm policies". **Quart. J. Economy**, 118 (4), 1169-12080.
13. Dechow, P., and I. Dichev. (2002), "The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". **The Accounting Review**, 77 (4), 35–59.
14. Dechow, P., and C. Schrand. (2004), "Earnings Quality. Charlottesville, VA: The Research Foundation of CFA Instituts".
15. DeJong, D., and Z. Ling. (2010), "Managers: Their effects on accruals and firm policies". **Working paper**, University of Iowa.
16. Demerjian, P., B. Lev, and S. McVay, (2006), "Managerial Ability and Earnings Quality", **AAA Annual Meeting**, University of Michigan.
17. Demerjian, P., B. Lev, and S. McVay. (2012), "Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests". **Management Science**, forthcoming.
18. Fan, Q., and X. Zhang, (2005), "Conservatism and Accounting Information Quality". **Working Paper**, University of California.



19. Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. (2004), “Costs of equity and earnings attributes”. **The Accounting Review**, 79 (4), 967–1010.
20. Francis, J., A. Huang, S. Rajgopal, and A. Zang. (2008), “CEO reputation and earnings quality”. **Contemporary Accounting Research**, 25 (1), 109–147.
21. Ge, W., D. Matsumoto and J. Zhang. (2011),” Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices”. **Contemporary Accounting Research**, 28 (4), 1141–1179.
22. Gordon, MM. (1964), “Assimilation in American life: The role of race, religion, and national origins”. **Oxford University Press**.
23. Klein, A., (1998), “Firm performance and board committee structure”. **Journal of Law and Economics**. 41 (1), 275-303.
24. Klein, A. (2002), “Audit committee, board of director characteristics and earnings management”. **Journal of Accounting and Economics**, 33(3), 375–400.
25. LaFond, R. (2008), “Discussion of ‘CEO reputation and earnings quality’”. **Contemporary Accounting Research**, 25 (1), 149–156.
26. Libby, R., and J. Luft. (1993), “Determinants of judgement performance in accounting settings: Ability, knowledge,

motivation and environment. *Accounting, Organizations and Society*, 18 (5), 425–450.

27. McNichols, M. (2002), “Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors”. **The Accounting Review**, 77 (4), 61–69.
28. Penman, S. and X. Zhang. (2002), “Accounting Conservatism, Quality of Earnings, and stock Returns”. **The Accounting Review**, 76, 237-264.
29. Plumlee, M., and T. Yohn. (2010), “An analysis of the underlying causes attributed to restatements”. **Accounting Horizons**, 24 (1), 41–64.

## **Investigating the relation between managerial ability and financial reporting quality in Tehran Stock Exchange**

**Ali Ebrahimi Kordlar<sup>1</sup>, Nourollah Rrahmani Picha<sup>2</sup>**

1. Assistant Professor, Faculty of Management, University of Tehran, Iran
2. M.A Student of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Iran

### **Abstract**

This research examines the relation between managerial ability and financial reporting quality in Tehran Stock Exchange. The purpose of this paper is to investigate the significant relationship between managerial ability and financial reporting quality. Multivariate regression method and Eviews software package was used to review the hypothesis. The data analysis of 102 firms show, that there is a negative and significant relation between managerial ability and financial reporting quality and managers use their ability to manage accruals. Of course, With considering a dummy variable (audit size) in the research model, the results shows that when there is a big auditor, more able managers do not manage accruals and the quality of financial reporting increases.

**Keywords:** Financial reporting quality, Managerial ability, Accruals, Accruals Quality